

## بررسی قصه رمزی حی بن یقظان ابن سینا

عطیه نتاج مجد<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

نویسنده مسئول: atiehnataj@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

### چکیده

چگونگی هبوط روحی آدمی از عالم علوی و نزول آن در قفس جسمانی از موضوعات مورد بحث در بیشتر مکاتب فکری-فلسفی و عرفانی است. در این زمینه این سینا با دفاع از نظریه دوگانگی روح و تن. مانند بسیاری عرفای مسلمان از پیشگامان تصویر هبوط روح در جسم به صورت نمادین است و بیان مفاهیم به صورت نمادین و در قالب حکایت و تمثیل، از دیرباز در سخن حکیمان و شاعران جهان آمده است. این سینا بر آن است که بیان نمادین وسیله ای هنری است که آن را باید عصای سحرآمیز ادب فارسی یا کلید فهم آن را توصیف کرد و آن تعلیل تخیلی یا زبان حال است. تعلیل تخیلی در موجودات بی روح یا موجوداتی که نمی توانند سخن بگویند به زبان حال متوسل می شود. قصیده عینیه این سینا نیز در بین آثار اندیشمندان مسلمان، در زمره آثاری به شمار می آید که با زبان نمادین به تبیین دوگانگی روان و بدن می پردازد. این نوشتار به بیان رمزپردازی، چگونگی شکل گیری آن و عوامل مؤثر در پیدایش داستان های رمزی-عرفانی در آثار متفکران مسلمان می پردازد.

**کلیدواژه:** نمادانگاری، تعالی روح، هیوز نفس، مرغ جان، دوگانگی جان و تن

### مقدمه

نماد، علامتی برای آشکارسازی واقعیت های نهفته است. لذا مکتب نماد انگاری می کوشد تا با بیانی نمادین در قالب حکایت و داستان Symbolism به بیان نقد حال انسان پرداخته و مخاطب را با دنیای پر رمز و راز آشنا سازد، از آنجا که بیان سرشت دوگانه آدمی و چگونگی هبوط بعد ملکوتی وجود انسان در جسد خاکی، غایت نمادانگاری حکیمان و عارفان می باشد. لذا در این نوشتار به بررسی سمبولیسم و عوامل پیدایش داستان های رمزی-عرفانی و تبیین چگونگی تأثیر اندیشه های مکاتب بیگانه بر آثار ادبی، فلسفی و عرفانی اندیشمندان مسلمانان می پردازیم. البته عوامل بسیاری سبب شده است که عارفان، پاره ای از رموز و اسرار عالیه عرفانی و منازل طریقت را به صورت داستان پرنندگان با تمثیل های دلنشین و در قالب حکایات شیرین، شرح و بسط دهند.

### ۱- چارچوب نظری

نمادانگاری سبکی است که در آن برای بیان رموز معرفت، شاعر و نویسنده به کمک مظاهری که می آفریند، مقصود خود را اظهار می دارد. او به واسطه بیان سمبولیک و با توسل به قصه و داستانی که در حقیقت (نقد حال) آدمی است. می کوشد تا مخاطب را با دنیای مرموز عرفانی آشنا سازد. پیشینه رمز و تمثیل در ادبیات را قبل از هر چیز می توان در آثار دینی و مذهبی و کتب آسمانی، مشاهده کرد. بدین دلیل است که بزرگانی چون سنایی، عطار، مولوی، حافظ و... نیز در خلق آثار گران بها و بی بدیل خویش، همواره متکی به قرآن و فرهنگ غنی اسلامی بوده اند. بوعلی سینا (۴۲۷-۳۷۰ هـ ق) نخستین کسی بود که داستان حی بن یقظان را در کسوت صوفیانه و به شیوه نمادین به رشته تحریر درآورد. در این داستان رمزی، مراحل سیر آدمی در طلب، معارف عالیه او را بر این حقیقت واقف می کند که به جز زندگی جسمانی، حیات روحانی دیگری وجود دارد. (غنیمی، هلال، ۱۳۷۳) شیخ الرئیس در یکی از داستان های رمزی خود (حی بن یقظان) بر آن است که کالبد انسان پرده روح و حایل او حق تعالی است. لذا تا زمانی که نفس آدمی با تن آمیخته و به تدبیر تن مشغول است. علم کامل به حقیقت و دانش آن جهانی حاصل نمی کند، مگر آن که از تن صرف نظر نموده و حجاب تن از میان برخیزد. بدین سبب عرفا مرگ را رهایی از این قفس می دانند. روش تحقیق: بنیادی و نظری و به روش کتابخانه ای است.

## ۲- پیشینه تحقیق:

مقاله‌هایی با نام‌های تقریباً مشابه برای کنفرانس‌ها و همایش‌ها، نوشته شده است ولی مقاله‌ای که به طور جامع به جمع‌آوری و توضیح و تحلیل نمادها و رازها و رمزها بپردازد، وجود نداشت.

## ۳- یافته‌های تحقیق

این سینا شرح حال خود را با ذکر سفر پدرش از بلخ به بخارا آغاز می‌کند. پدرش از اهالی بلخ بود که در زمان نوح بن منصور به بخارا نقل مکان کرد. ابن سینا تحصیلاتش را با فراگیری حساب هندسی نزد یک بقال شروع می‌کند. رمز واسطه است زیرا رمز سکوت است، سخن می‌گوید و نمی‌گوید و دقیقاً بدین طریق چیزی را بیان می‌کند که فقط از طریق رمز قابل بیان است. «رمزها، صرف فرافکنی‌هایی نیست که به میل ذهنی (Subjective) نفس ایجاد شده باشد.» (کربن، هانری، ۱۹۰۳-۱۹۷۹م) رمز پردازی سینائی، شکوفایی آن و کاربرد آن، به صورتی که از تمثیل‌ها معلوم می‌شود، راه دشواری را که مقصدش (حضور) ناب است، به روی ما باز می‌کنند. به این معنا، این رمز شناسی می‌تواند درس ابن سینا برای ما باشد. این درس تلاش عالی برای آزادی را که مشروط به (خروج) از این عالم است در برابر دیدگان مان قرار می‌دهد و گویی تحولی در عالم مادی ایجاد می‌کند که به موجب آن این عالم به عنوان عالم رمزها اعتبار دوباره‌ای می‌یابد.» (کربن، هانری، ۱۹۰۳-۱۹۷۹م)

## ۱-۳- رساله حی بن یقظان:

رساله حی بن یقظان، با پیشگفتاری آغاز می‌شود که یادآور برخی حکایات عرفانی دیگری است که از بینش هرمسی در اسلام الهام می‌گیرند. این رساله دعوتی است از ما برای سفری عرفانی و آشنا شدن با اسرار آن، سفری که مراحل آن تا رسیدن به مشرق در معیت فرشته الهام بخش در رساله شرح داده شده است. رساله شخصی فرشته با فیلسوف نیز در سیمای حی بن یقظان (زنده بیدار) تصویر شده است.

### \*کربن در کتاب:

زیبای خویش با عنوان این سینا و تمثیل عرفانی. تمامیت غنای زبان رمزی تمثیل‌های عرفانی بوعلی: صور مثالی فرشته خو، معنای فردانیت، و برد آموزشی و پرورشی هرگونه حکایت آشنا کننده با عالم کشف و شهود را به خوبی نشان داده است. (کربن، هانری، ۱۹۰۳-۱۹۷۹م). قهرمان حکایت می‌کند، روزی با یاران خویش به نزهتگاهی در بیرون نهر رفته و در آنجا پیروی را دیده است که از دور پدید آمد زیبا و فرهمند و سالخورده و وی را تازگی برنا آن بود که هیچ استخوان وی سست نشده بود و هیچ اندامش تباہ نبود. می‌گوید از آن پیر درباره نام و نسب و نهر و مأوایش پرسیده و پیر در جواب وی گفته است: (نام من زنده است و پسر بیدارم. و شهر من بیت مقدس است و پیشه من، سیاحت کردن است و گرد جهان گردیدن تا همه حال‌های جهان بدانستم و روی من به سوی پدرم است و وی بیدار است. می‌گوید: که دیری با آن پیر مسأله‌ها همی گفته و از وی علم‌های دشوار همی پرسیده تا به علم فراست دست یافته است.

### \*منظور از فراست:

رسیدن به مرحله‌ای است که ظاهر، یعنی تمامی استعدادها و توانایی‌ها و ظواهر برخاسته از آنها که در پوشاننده نفس هستند، چنان از میان برداشته شود. پیر به او می‌گوید: باید از یاران بدی که بدانها باز بسته است رها شود. «(تقی، شکوفه، ۱۳۸۲) «قهرمان حکایت می‌گوید که آنگاه از پیر درخواست کرد که او را راه نماید به سیاحت کردن و سفر کردن، آن چنان که خود او کند، و پیر به او گفته است: تو و آن که به تو ماند این چنین سیاحت کردن که من کنم نتوانید کردن که شما را از چنین سیاحت کردن باز داشته اند، آن راه بر شما بسته است مگر که نیک بختی است یاری کند به جدا شدن از این یاران، و اکنون وقت آن جدا شدن نیست که وی را وقتی است معلوم، که تو پیش از آن وقت جدا نتوانی شدن» (تقی، شکوفه، ۱۳۸۲) «مشرق، قلمرو نفس، قلمرو خورشید طالع است، هرچه به سمت شرق پیش رویم با مراحل پیاپی از انکشاف فرشتگان زمینی، نفوس آسمانی، مهین فرشتگان کروی روبرو می‌شویم و سرانجام به پادشاهی می‌رسیم که در خلوت و تنهایی نیکوئی روی خویش که پرده نیکوئی وی است بر نشسته است. اینجا منزلگه حکمت اشراق است.» (تقی، شکوفه، ۱۳۸۲)

**۲-۳- رمز و نماد:**

\* کلمه نماد:

در گذشته: مورد استعمال نبوده و به جای آن بیشتر از کلمه رمز، استفاده می شده است. این دو کلمه معنای مترادف دارند و گاهی به لحاظ گسترده معنایی مترادف نیستند و هرکدام ضمن داشتن مصادیق مشترک موارد خاصی را پوشش می دهند. به هر حال کاربرد این دو واژه در علوم فلسفی و عرفانی و نیز فلسفه هنر تا حدودی قریب به هم است (هاشمی نژاد، حسین، ۱۳۹۲)

**۳-۳- علل استعمال رمز و نماد:**

- ۱- سخن گفتن درباره امور متعالی گاهی بنا به برخی ضرورتها نیازمند زبان رمزی است. یکی از این ضرورتها ظرفیت نداشتن مجموعه الفاظ و واژگان مترادف بشری برای انتقال آن معانی ژرف و فاخر است.
- ۲- ضرورت دیگری که نیاز به بیان رمزی را به وجود می آورد، لزوم اختفا و پوشاندن برخی مضامین و محتواهای متعالی از افراد نامحرم و نا آشنا است که ظرفیت و کشش شنیدن و درک آن معانی را ندارد.
- ۳- روی آوردن به بیان رمزی و نمادین، زیبا و دلنشین بودن این زبان است. در کل تمثیل، مجاز و کنایه، رمز و نماد، آرایه ها و زینتهای زبانی اند.
- ۴- چهارمین علل گرایش به بیان رمزی و نمادین در امور متعالی و انسانی این حقیقت است که بیان رمزی و نمادین، تفسیرهای متعدد و متنوع را می تابد، یعنی وقتی در یک متنی از رمز، نماد، کنایه، تمثیل و مجاز، استفاده می شود. آن متن قابلیت تفسیرهای متعدد را خواهد داشت. اما وقتی کتالبا با مجموعه الفاظ که دلالت مطابقتی دارند همانند زبان علوم ریاضی و فنی بیان شوند، چنین نخواهد بود.

**۴-۳- زندگی، مطالعات، ابن سینا**

«ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، معروف به ابن سینا، یک از بزرگان جاودانه عرصه خرد و تمدن اسلامی، است که در زمان، تمدن درخشان سامانی، در عهد سلطنت نوح بن منصور، در بخارا به دنیا آمد. و در سال ۴۲۸ هجری، در همدان، در عهد حکومت علاء الدوله از دنیا رفت. پیش از ابن سینا، استاد اول، ارسطو، از خود رساله سرگذشتی برجا گذاشته است. ابن سینا در نوشتن شرح حال خود می کوشد نمونه ای را به عنوان معلم کامل ارائه دهد که سرمشق و چراغ راه شاگردانش قرار گرفت.» (تقی، شکوفه، ۱۳۸۲، ص ۱۴-۱۳) ابن سینا، با هوشیار نگاه داشتن ذهن همواره از عقل فعال که جاری در هستی است مدد می گیرد. او معلم اصلی را عقل فعال می داند که می توان گاه به واسطه کتاب و گاه بی واسطه با آن سرچشمه دانش ارتباط برقرار کرد و مشکل را حل نمود و آموزشی گرفت که نزد هیچ معلم و کتابی یافت نمی شود. «شیوه های برقرار کردن ارتباط با عقل فعال، پشتکار، خلوص و مکاشفه (حدس) در این مرتبه او منطبق و همه اجزا فلسفه را مطالعه می کند. او در مرتبه تحصیل خود به منظور درک مستقیم مطالبی که در جستجوی فهم آنهاست شیوه های تازه ای به کار می گیرد» (هاشمی نژاد، حسین، ۱۳۹۲) «وقتی علم منطق و طبیعی و ریاضی ملکه ذهنش شد به علوم الهی روی آورد. از آنجائیکه هر دانشجوی الهیات می بایست کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را مطالعه می کرد. او نیز به خواندن کتاب مورد نظر که ترجمه ای عربی از یک متن سریانی بوده می پردازد» (تقی، شکوفه، ۱۳۸۲) ظاهراً ابن سینا به دلیل نارسایی ترجمه ای عربی یا هر دلیل دیگری چهل بار متن مورد نظر را چنان مرور می کند، که همه کلمات کتاب را حفظ می شود، اما محتوای مطلب به فهمش در نمی آید. تا یک روز که در بازار کتابفروشی ها می گردد، دلالی به اصرار از او می خواهد که کتابی را که می فروخته بخرد. ابن سینا، تخست او را پس می راند اما وقتی مرد می گوید که صاحبش به پول آن احتیاج دارد او از سر بزرگواری و گذشت پول را می دهد و کتاب را بر می دارد. غافل از آنکه کتاب مرود نظر در اغراض مابعدالطبیعه، به قلب فارابی است. به خانه بر می گردد و کتاب را می خواند و جواب سوالات خود را می گیرد و به شکرانه آن پاسخ گرفتن، فقرای بسیاری را اطعام می کند. در رساله تمثیلی ابن سینا، پیشرفت نفس با مراحل گوناگونش در یک سو و سفر قدیسی روح، نمادسازی می شود. شیوه ای که دیگر متفکران و شاعران عارف مسلک نیز دنبال کرده اند. داستان ابن سینا، رمز و تمثیلی است و فهم داستان ابن سینا، بدون رمز گشایی برای خواننده غیر متخصص دشوار می نماید. «در واقع، عنوان داستان رمزی، هم به صورت ظاهر و هم به نوع تجربه و موضوع مطرح شده اشاره دارد. در عین حال این آثار را غالباً از آثار تمثیلی دانسته اند، رساله حی بن یقظان، حکایت سیر و سلوک نفس انسان است که به مدد و دستگیری حی بن یقظان، پیر سالخورده ای که جز شکوه پیران نشانی از سالخوردگی ندارد به معرفت عوالم هستی و اطراف و اکناف آن راهنمایی می شود. شهر او بیت المقدس است و چنان که در رساله از زبان او بیان می شود، پیشه اش سیاحت بر گرد جهان است تا بر احوال آن آگاه باشد و رو به سوی پدر یعنی بیدار (یقظان) دارد که منشأ و مبدأ اوست» (کرین، هانری، ۱۳۸۲) حی بن یقظان، در داستان ابن سینا، رمز و نماد، عقل فعال است و در داستان ابن طفیل، نماد عقل بشر با توانایی های فطری و خداداد آن است (بورگل، پیتر، ۱۹۷۶) «در تفسیر و تأویل نام حی بن یقظان، رأی مشترک اغلب شارحان قدیم و جدید این است که او همان عقل فعال در اصطلاح فلسفه (فرشته) (دهمین فرشته از فرشتگان کروی) یا جبرئیل، در زبان شرع است. حی بن یقظان با افشای نامش، فرشتگی خود را آشکار می سازد»

(سجادی، ضیاء الدین، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۱۰) «در شرح سخن شیخ الرئیس، از رفیقی و همراهی سخن می گوید که در بحث و گفتگو، طریق مجادله، پیش می گیرد، و می پندارد که مراد او به طریق مجادله، برآید، و شارح اضافه می کند که مراد شیخ از همراه، همسفر نیست بلکه نظرش این است که به یک حالت روحانی از خواص اولیاء اشاره کند، که غیبت از بشریت است و صوفیان آن را فنا می خوانند و حکماء سکون قوای بدنی، گویند» (سجادی، ضیاء الدین، ۱۳۹۲، ج ۲۰، ص ۱۰) حی بن یقظان، نفس را (خورشید در حال طلوع) می نامد. چیزی که مورد پرسش قرار می گیرد، خود آن است. خود نفس، همان عالم، همان واقعه است که دیدن یک عالم را ممکن می سازد. رمز پردازی سینایی، شکوفایی آن و کاربرد آن، به صورتی که از تمثیل ها معلوم می شود، راه دشواری را که مقصدش (حضور) ناب است، به روی ما باز می کنند. به این معنا، این رمزشناسی می تواند درس ابن سینا برای ما باشد.

جدول ۱. تحلیل نمادها و رموز حی بن یقظان از نظر ابن سینا

نماد و رمزها و تمثیل ها	تحلیل نمادها و تمثیل ها
پیر	فرشته ای است که در پیکری انسانی و در نقش پیری روحانی، در عالم مثال در افق دید، روح سالک ظاهر می گردد
روزی با یارانم از شهر خارج شدیم و به گردشگاه های اطراف شهر رفتیم	گوشه نشینی نفس، اشاره به اندیشه در راه علم است و مقصود از گردش نفس، یافتن حجت و برهان در علم حقیقی است.
در هنگام گردش پیری را دیدم	عقل فعال یا عقل دهم، یک از درون مایه های اصلی اغلب داستان های رمزی دیدار روح یا نفس سالک با اصل آسمانی خویش است
خواهان گفتگو و معاشرت با او شدم	دانستن علمی که نمی دانیم ولی شایستگی و توانایی دانستنش را داریم
او در سلام کردن پیشی گرفت	اشاره دارد به اعطای فیض از طرف عقل فعال
نام من زنده است و فرزند بیدارم	زندگی در مقابل مردن است و در مقابل بیداری، خواب بودن است
شهر من، بیت المقدس است	عالم عقول، عالم مشرق که حی بن یقظان سالک را به آنجا راهنمایی می کند که بری از ماده است.
حرفه من سیاحت و گردش در اطراف جهان برای دانستن همه احوال جهان است.	عقل فعال، در یک جا ساکن نمی ماند
روی من به سوی پدر است و او بیدار است همان کسی که کلید همه علوم را به من بخشید	اولین عقلی که خدا آفرید و روی همه عقول به سوی اوست.
به طور مفضل با پیر در مورد مسائل علمی و سختیهای علم صحبت کردیم تا آنکه سخن به علم (فراست) رسید	علمی است که کسی که واجد آن است می تواند حقایق پنهان را آشکار سازد و نیز حقایق آشکار را پنهان کند. فراست به معنای دانایی به همه چیز و همه کس است که فرشتگان از این علم برخوردارند.
یاری که در سمت راست توست ویرانگر است. زمانی که برانگیخته می شود نصیحت نمی پذیرد و پند دادن به او سود ندارد و به آتشی می ماند که در هیزمی فتاده است یا مثل سیل است و یا شتری مست می ماند و یا چون شیری که بچه اش را کشته اند	رفیق دست راست، خشم است. قوت، خشم زمانی که چیزی می بیند یا بشنوند که مطابق میلش نباشد برانگیخته می شود و به سختی آرام می گیرد.
این بار که در سمت چپ توست ناپاک و هوس باز است، هیچ گاه سیر نمی شود و مدام در حال خوردن است. این بار حریص است.	رفیق دست چپ، شهوت است، دست راست از دست چپ قوی تر است و خشم نیز از شهوت قوی تر است. پس به همین دلیل خشم در سمت راست و شهوت در سمت چپ قرار دارد.
گیاه یاران به فرمان من بودند و گاهی من به فرمان ایشان، از خدا-خواستم که مرا یاری کند تا به خوبی با یاران هم نشین و همسایه باشم تا زمانی که از ایشان جدا شوم.	قوای نفس حیوانی، حواس ظاهر و باطن مانع افاضه صور معقولات و اشراق غیرفعال به نفس ناطقه می شوند برای آنکه ما را به جزئیات مشغول کنند قوه خشم و شهوت و غضب، نفس ناطقه را مشغول و تعلقات و لذایذ دنیا می کنند.
چشمه آب روان	علم منطوق، منظور است به این دلیل به آن آب روان می گویند که شخص را بسوی علوم دیگر هدایت و راهنمایی می کند.
مغرب، مشرق و یک قسمت میان مشرق و مغرب	ابن سینا، به زبان رمز شرق را جای صورت و مغرب را جای هیولی (مادی) و آنچه میان مشرق و مغرب است جای اجسام که ترکیب صورت و ماده هستند، قرار می دهد.
روشنایی وسیع	هرکسی که از دشواری و رنج نهراسد به علم می رسد که علم روشنایی است.
مشرق	شرق رمز عالم علوی و عالم فرشتگان یا آن سوی فلک الافلاک که جایگاه عقول یا فرشتگان مقرب یا انوار قاهره و مدبره است.
نزدیک ترین آبادی به ما مکانی است که ساکنان آن مردمانی ریزاندام و چالاکند و دارای ۹ نهر است.	توصیف هفت آسمان (ماه، عطارد، زهره، خورشید، مریخ، مشتری، زحل)
وقتی که به سمت شرق می روی خورشید را می بینی که از میان دو شاخ	طلوع آفتاب، اشاره است به تجرید صورت از ماده و ادراک معانی و صور محسوسات که از

دیو طلوع می کند	طریق قوت‌های نفس حیوانی صورت می گیرد.
دیو دو شاخ دارد، یک شاخ پروازکنان و شاخ دیگر جنبان. این گروه جنبان دو دسته اند	شاخ پروازکنان: قوای مدرکه که شاخ جنبان: قوای محرکه
فرشتگان دو گروهند. ۱- گروهی، سمت راست، هستند ۲- گروهی سمت چپ هستند	سمت راست: عقل نظری سمت چپ: عقل عملی
فرشتگان زمینی	قوای نفسانی

### نتیجه گیری:

اولین چیزی که خدا آفرید عقل اول است که بواسطه عقل اول، عقل دوم و نفس اول را آفرید که نفس اول فلک معدل النهار را به حرکت در می آورد و نیز بواسطه عقل دوم، عقل سوم و نفس اول را آفرید و نفس دوم فلک بروج را بر می گرداند..... پس هر کدام از نفوس، یک فلک را به حرکت در می آورند که در اینجا منظور از آیانندگان گردانندگان فلک هاست. حی بن یقظان، عقل فعال است، سیاحت کردن و سفر کردن، جستن دانش و حقیقت چیزهاست. عقل فعال بالفعل به حقایق آگاه و دانا است. عقل انسان یا نفس ناطقه انسانی، بالقوه این آگاهی را دارا می باشد. آنکه نفسهای ناطقه را از قوه به فعل می آورد، عقل فعال یا جبرئیل است. و آنچه مانع افاضه صور معقولات و اشراق وی به نفس ناطقه می شود قوای حیوانی حواس ظاهر و باطن است که ما را به جزئیات مشغول می کند و قوت و شهوت و غضب که نفس ناطقه را مشغول تعلقات و لذایذ دنیا می کند، یارانی هستند که جدانشدن قطعی روح از آنها با مرگ امکان پذیر می گردد. کامل ترین انسان آن است که نفس او عاقل به فعل گردد، یعنی صور معقولات در وی به برهان یفینی حاصل شود، آنگاه او را عقل مستفاد خوانند و هیأت صالح و اخلاق جمیل در وی پدید آید. در حی بن یقظان، در آخر، سخنان پیر، در وصف ملک، پایان می گردد و آخرین سخنان وی با سالک که داستان بدان ختم می گردد چنین است: «اگر نه آنستی که من بدین که با تو سخن همی گویم بدان پادشاه تقرب همی کنم به بیدار کردن تو و الامرا خود بدو شغلهایی است که به تو نپردازم.»

### منابع و مأخذ:

- کربن، هانری، ۱۳۸۷، این سینا و تمثیل عرفانی، تهران، نشر جامی  
تقی، شکوفه، ۱۳۸۲، دو بال خرد، تهران، نشر مرکز:  
برهانی نژاد، محدثه، ۱۳۶۶، ترجمه و تصحیح رساله حی بن یقظان، اثر ماندگار ابن سینا، تهران، نشر میزاث قلم  
عزیزی، ناهید، بررسی رسالات رمزی ابن سینا، مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا، بروجرد، گروه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی  
زبله، ابن منصور، رساله حی بن یقظان، کتابخانه ملی ایران، شماره ۸۸